

شکایت علنی از عملکرد غیرحرفه‌ای بی‌بی‌سی افغانستان در پوشش خبری حمله تروریستی طالبان به کارمندان شبکه طلوع

کمپین «بی‌بی‌سی فارسی و پشتو را به پاسخگویی واداریم»

عملکرد غیرحرفه‌ای بی‌بی‌سی در ارائه تریبیون به طالبان پس از حملات تروریستی این گروه به شبکه طلوع، حساسیت و نگرانی بخش وسیعی از مخاطبان این رسانه را برانگیخته است. کمپین «بی‌بی‌سی فارسی و پشتو را به پاسخگویی واداریم» به نمایندگی از جمع فزاینده‌ای از نویسندگان، روزنامه‌نگاران، فعالان مدنی و دیگر مخاطبان بی‌بی‌سی افغانستان از سرویس جهانی بی‌بی‌سی می‌خواهد تا در ارتباط با نحوه پوشش حمله‌ی تروریستی طالبان به شبکه طلوع در بخش دری و پشتوی بی‌بی‌سی به طور مفصل تحقیق کند و نتایج آن را منتشر سازد. با توجه به تردیدهای گسترده‌ی قبلی نسبت به بی‌طرفی و عملکرد حرفه‌ای بی‌بی‌سی بخش افغانستان، اعضای این کمپین نگران‌اند که پوشش خبری این مورد خاص از حملات تروریستی طالبان می‌تواند، هم مهر تاییدی بر نگرانی جدی بخش بزرگی از مخاطبان بی‌بی‌سی افغانستان نسبت به عملکرد جانبدارانه بی‌بی‌سی افغانستان، و هم نشان‌دهنده فقدان حساسیت و توجه لازم مدیران ارشد به عملکرد حرفه‌ای در این بخش، و یا ترکیبی از هر دو باشد. از این‌رو، ما از سرویس جهانی بی‌بی‌سی می‌خواهیم که یک گروه تحقیقی از خبرنگاران حرفه‌ای پیش‌کسوت از بخش‌های دیگر سرویس جهانی - به جز از مجموعه بی‌بی‌سی فارسی و بخش افغانستان - تشکیل دهد و این گروه، زیر نظر اتحادیه خبرنگاران بریتانیا پوشش خبری حمله‌ی اخیر طالبان بر کارمندان طلوع را با دقت مطالعه کند. این تحقیق باید شامل مصاحبه با کارمندان دخیل در پوشش خبری حمله، به صورت جداگانه، محرمانه و مفصل مصاحبه شود تا از پیشینه‌ی چگونگی تصمیم‌گیری ادیتوریالی در ارتباط با این بخش این مصاحبه معلومات لازم به دست آید. از آن‌جا که این نگرانی به شکل جدی وجود دارد که یکی از دلایل عملکرد غیرحرفه‌ای بی‌بی‌سی در کل، وجود افراد نالایق از نظر مهارت و دانش لازم باشد که در نتیجه‌ی نیوتیزم و فساد اداری در پروسه استخدام به بی‌بی‌سی افغانستان راه یافته باشند، از بخش مدیریت قوای بشری بی‌بی‌سی، در همکاری نزدیک با اتحادیه خبرنگاران بریتانیا، می‌خواهیم تا در ارتباط با شفافیت استخدام‌های اخیر در بی‌بی‌سی تحقیق کند. ما از بی‌بی‌سی می‌خواهیم که یافته‌های خود را تا آن‌جا که مقررات داخلی بی‌بی‌سی و قوانین بریتانیا اجازه می‌دهد در دسترس عموم قرار دهد و به مخاطبان افغان از اقدامات لازم برای مقابله با معضلات احتمالی و تدابیری که برای بهبود عملکرد حرفه‌ای بخش افغانستان انجام

خواهد داد، اطلاع‌رسانی کند.

۲. دلایل ضرورت تحقیق در ارتباط با مصاحبه‌ی بی‌بی‌سی افغانستان با سخنگوی طالبان بلافاصله پس از قتل‌عام کارمندان طلوع:

۲.۱ دلایل حرفه‌ای:

ما ضرورت مصاحبه با جناح‌های تروریستی را در چارچوب‌های منطقی و حساب شده‌ی ژورنالیستی درک می‌کنیم و آگاهییم که پیش از این نیز بخش‌های مختلف بی‌بی‌سی، از جمله سرویس جهانی و افغانستان، به منظور اطلاع‌رسانی و حفظ توازن و بی‌طرفی حرفه‌ای با سخنگویان طالبان گفتگو کرده‌اند.

این گفتگوها، اما، بیشتر در موضوعات سیاسی (مثل مذاکرات صلح)، و نه به منظور دریافت نظر و واکنش آن‌ها نسبت به حملات تروریستی‌شان، بوده است. به عبارتی، حداقل به تجربه‌ی اعضای کمپین اولین بار است که بی‌بی‌سی افغانستان با این هدف با این گروه مصاحبه کرده که آن‌ها دلایل و توجیهات خود در حمله تروریستی‌شان و قتل‌عام بی‌گناهان را به مخاطبان اعلام کنند.

به این ترتیب بدون هیچ ضرورت حرفه‌ای، به گروه تروریستی طالبان تریبیونی داده شد تا از آن نه تنها استدلال‌های تکراری غیرعقلانی، غیرقانونی، غیرمشرع و غیرانسانی خود را از طریق بی‌تردید معتبرترین منبع خبری افغان‌ها تبلیغ کنند، بلکه به صراحت تهدید نمایند که بنا به همان استدلال‌ها به رسانه‌های مشخص دیگری حمله خواهند کرد.

مسلم است که این گروه نمی‌توانست حتی با بسیج تمام رسانه‌های وابسته به خود به این سادگی و گستردگی تهدید خود را به گوش مخاطبان برساند و ترس و نگرانی را در دل آن‌ها بکارد.

بی‌بی‌سی افغانستان به این عملکرد غیرحرفه‌ای و خطرناک خود بسنده نکرد، بلکه این پیام و دیگر پیام‌های گروه تروریستی طالبان را کم و بیش با همان ادبیات خاص این گروه، دست کم یک صد و پنجاه بار (به تخمین ما با احتساب تعداد گزارش‌های رادیو، تلویزیون و آنلاین و تکرار آن‌ها در برنامه‌های مختلف بی‌بی‌سی) در طی کمتر از یک هفته بعد از این حمله از این رسانه پخش کرد.

خود مصاحبه‌کننده نیز قبل از پخش این مصاحبه از رادیو، در اقدامی هرچند احتمالاً سهوی اما کاملاً نسنجیده، با هدف جلب توجه دوستانش در شبکه‌ی اجتماعی فیسبوک به مصاحبه‌ی خود با سخنگوی طالبان تهدیدهای اصلی او را این گونه جمع بندی کرد:

«دقیقی پیش با سخنگوی طالبان صحبت کردم. او گفت: [...] هدف ما طلوع است. [...]

تلویزیون یک را هم در لست سیاه قرار داده ایم و هدف ما است. سخنگوی طالبان این دو رسانه را به عدم بی طرفی متهم کرد، بخصوص در زمان جنگ قندوز [...] گروپ کابورا، که مربوط به موبی گروپ طلوع است وهدف حمله انتحاری دیروز طالبان قرار گرفت، فیلم های مبتذل کشورهای خارجی را به فارسی وپشتو ترجمه می کند.[...] روز تلویزیون یک هم خواهد رسید!»

این پست تا لحظه نگارش این متن ۲۳۶ بار لایک زده شده و ۴۶ بار به اشتراک گذاشته شده است. ما مطمئنیم که مدیران و کارکنان بی بی سی افغانستان با ما موافق خواهند بود که شمار مخاطبینی که از طریق گزارش های متعدد آنها دریافتند که طالبان قصد حمله به رسانه های دیگری را در «آینده» دارند، به شکل غیرقابل مقایسه ای بسیار بیشتر از تعداد کسانی است که این معلومات را از رسانه های طالبان دریافتند. به این ترتیب، بی بی سی افغانستان به سادگی ناقل تهدید یک گروه تروریستی شد که قرار است در «آینده» عملی شود و به این تهدید و تهدیدکنندگان در واقع اعتبار داد.

بی بی سی افغانستان و هیچ رسانه ای حرفه ای دیگری نمی تواند ده ها بار تکرار عین تهدید طالبان مبنی بر حمله کردن به یک رسانه ای دیگر در «آینده» را به بهانه ای بی طرفی توجیه کند.

۲.۲ استانداردهای روزنامه نگاری:

هدف کمپین ما نه تحریم خبری طالبان است و نه تعیین روش کار برای رسانه ای خاص. بلکه بحث ما بر سر استانداردهای قبول شده روزنامه نگاری در بی بی سی و سنجش هوشمندانه خبر، قضاوت ادیتوریالی معقول و همه جانبه، به شمول در نظر داشت ماهیت و ارزش خبری، پیامدهای احتمالی و حساسیت های اجتماعی در نشر یک محتوای رسانه ای است. از نظر ما نقل نه نفس تهدید، بلکه «ارزش معلوماتی خبری» آن، به شکل غیرمستقیم، تعدیل شده، متوازن و متناسب، در همراهی با معلومات و واکنش های جانبی به آن (مثل واکنش نیروهای امنیتی یا محکومیت چنین تهدیدی از سوی نهادهای مختلف مردمی و حکومتی) کاری حرفه ای به شمار می آید. در انتقال هوشمندانه «ارزش معلوماتی خبری» یک تهدید به حفظ توازن میان نقاط قوت متن خبر و نیز گزینش هوشمندانه ای واژه ها و ساختار جمله، و در نظر داشت ارزش های اساسی بی بی سی، (بی طرفی، صحت خبر و انصاف) توجه کافی صورت می گیرد.

اما عملکرد بی بی سی افغانستان نقل مستقیم تهدید طالبان، کم و بیش با همان ادبیات این گروه و باربار تکرار آن در گزارش های مرتبط با حمله ای تروریستی به طلوع، به روشنی در خدمت منافع تبلیغاتی طالبان است و به طور قطع می تواند تردیدها و نگرانی ها در ارتباط با بی طرفی این نهاد رسانه ای را بیش از پیش گسترش دهد. به ویژه به این دلیل که در هر دو مصاحبه ای

پشتو و دری بخش افغانستان، سخنان تهدیدآمیز سخنگوی طالبان و دلایل غیرقانونی و غیرانسانی او در کشتار هفت انسان بیگناه به بهانه‌ی «عدم رعایت بی‌طرفی از سوی شبکه طلوع در جنگ قندوز»، به چالش کشیده نشد. این امر چنین تداعی می‌کند که بی‌بی‌سی افغانستان با نفس این دلایل مشکلی ندارد. به جای چالش، مصاحبه‌کننده به شکل مضحکی کوشید مانع از طرح اتهام سخنگوی طالبان بر ضد تلویزیون طلوع شود، آن هم به این دلیل که «کسی از تلویزیون طلوع حضور ندارد که از خود در برابر اتهامات طالبان دفاع کند.» گویی یک شبکه تلویزیونی قانونی نیازی حقوقی به دفاع از خود در برابر اتهامات بی‌اساس یک گروه تروریستی غیرقانونی دارد.

در بخش دیگری از مصاحبه، زمانی که سخنگوی طالبان می‌گوید که آن‌ها قبلاً نیز اعلام کرده بودند که خبرنگاران طلوع را مورد هدف قرار می‌دهند، مصاحبه‌کننده به جای به چالش کشیدن نفس قتل‌عام بی‌گناهان، می‌گوید «اما کسانی که در حمله کشته شدند، کارمندان طلوع بودند و نه خبرنگاران.» گویا مصاحبه‌کننده این‌طور القاء می‌کند که با این یادآوری گروه تروریستی طالبان بابت اشتباه در هدف‌گیری کارمندان طلوع به جای خبرنگاران آن عذرخواهی خواهد کرد و یا گویی اگر کشته‌شدگان خبرنگار می‌بودند، این حمله می‌توانست قابل توجیه باشد.

از آن‌جا که در هر دو مصاحبه پشتو و فارسی «کارمند بودن کشته‌شدگان» به رخ سخنگوی طالبان کشیده شد، معلوم می‌شود که این «چالش» از قبل برنامه‌ریزی و به مصاحبه‌کننده‌گان توصیه شده باشد. همین امر به تنهایی کافی‌ست که نشان دهد تحلیل سردبیران و مدیران بی‌بی‌سی افغانستان از حمله و نیز از مقوله‌ی بی‌طرفی و دیگر معیارهای خبرنگاری تا چه کودکانه و سطحی‌ست.

این نکته قابل تأکید است که برجسته‌سازی نقش این دو همکار در این‌جا، به هیچ عنوان به معنای مقصر دانستن این افراد نیست. ما بر این باوریم که عملکرد حساب‌نشده و سوءقضاوت این همکاران در پوشش خبری، خود نتیجه‌ی مستقیم سوءمدیریت گسترده در این بخش است: نبود مکانیزم نظارتی موثر بر عملکرد مدیران و در نتیجه عدم پاسخگویی و شفافیت آنها، نبود نظارت کافی بر تولید و انتشار محتوای رسانه‌ای، نبود آموزش کافی، فقدان دلبستگی کارمندان به کار حرفه‌ای و سرخوردگی آن‌ها از نحوه‌ی مدیریت این بخش، اعمال فشارهای روحی و روانی از سوی مدیران بخش از طریق ارباب، محرومیت از پیشرفت و ترفیع از جمله ده‌ها معضل پیچیده و دیرینه‌ای‌ست که ما دریافته‌ایم که بخش افغانستان بی‌بی‌سی با آن دست و پنجه نرم می‌کند. ما در فرصت مناسب برای تشریح هر کدام از این معضلات به شکل شکایت‌های جداگانه با شواهد کافی اقدام خواهیم کرد.

۲.۳ زمان مصاحبه و عدم توجه به رهنمود ادیتوریال بی‌بی‌سی

زمان الحام و پخش این مصاحبه نیز باعث خشم بسیاری از مخاطبان افغان شده است. بی‌بی‌سی افغانستان در زمانی اقدام به مصاحبه با سخنگوی گروه تروریستی طالبان کرد که هنوز اجساد قربانیان بی‌گناه این حادثه دفن نشده بود، و میلیون‌ها افغان عزادار این قتل‌عام بودند و هزاران روزنامه‌نگار در شوک و وحشت عملی شدن تهدیدات این گروه تروریستی به سر می‌بردند. گویا بی‌بی‌سی افغانستان، عمداً زمان نشر این مصاحبه را طوری تنظیم کرده بود تا وحشت این حادثه و تهدید طالبان برای تکرار آن حداکثر تاثیر ممکن را بر روح و روان مخاطبان افغان داشته باشد. هر روزنامه‌نگار آشنایی افغانستان می‌توانست حتی قبل از مصاحبه هم درک کند که سخنگوی گروه تروریستی طالبان هیچ نکته‌ی تازه‌ای نخواهد داشت که به دانش مخاطب افغان بیافزاید و یا از زوایای کشف‌نشده‌ی دیگری از این قتل‌عام پرده بردارد. بنابراین، سوال این است که از نظر بی‌بی‌سی افغانستان چه نکته‌ی خبری عاجلی در این مصاحبه وجود داشت که بی‌بی‌سی افغانستان تصمیم گرفت در فاصله کمتر از بیست و چهار ساعت به آن اقدام کرد.

رهنمود ادیتوریال بی‌بی‌سی در بخش یازدهم، «جنگ، ترور و وضعیت‌های اضطراری» به وضوح توصیه می‌کند که خبرنگاران باید پیامدهای احتمالی پوشش خبری رویدادی جنگی و تروریستی را در نظر بگیرند. این رهنمود توصیه می‌کند که بی‌بی‌سی نمی‌تواند ناقل تهدید مشخص یک گروه یا فرد بر ضد یک گروه یا فرد دیگری باشد.

بی‌بی‌سی افغانستان در این مصاحبه به ناقل تهدید بدل شد که تاکنون رخ نداده. پوشش یک تهدید تا زمانی که به وقوع نپیوسته و تبدیل به یک رویداد خبری نشده، به جز کمک به هرچه جدی‌تر انگاشته شدن تهدید از سوی تهدیدشونده هیچ معنایی ندارد. بدیهی‌ست که انتشار تهدید یک کشور بر ضد یک کشور دیگر با انتشار تهدید یک گروه تروریستی مبنی بر حمله به یک شبکه‌ی تلویزیونی مشخص در «آینده» از یک سنخ شمرده نمی‌شود.

۲/۴ تفاوت‌ها در ذائقه مخاطب

نکته‌ی بااهمیت دیگر این است که ساختاربندی و ماهیت محتوای رسانه‌ای برای مخاطبین غربی و مخاطبین افغان تفاوت‌هایی دارد که تشخیص آن فقط با اتکاء بر مهارت‌های فنی روزنامه‌نگاری (و در مورد بی‌بی‌سی افغانستان قطعاً با اتکاء بر رتبه و موقف اداری مدیران) ممکن نیست، بلکه نیازمند عقل سلیم برای تحلیل و نیز مشوره میان اعضای تیم خبری است. گاهی این تفاوت‌ها می‌تواند صرفاً در گزینش لحن و زبان مناسب برای هر یک از گروه‌های متفاوت مخاطبین باشد و گاهی ممکن است برای متناسب کردن محتوای رسانه‌ای با ذائقه‌ی مخاطب به تغییر کلی ساختار محتوا نیاز باشد. برای درک بهتر می‌توان به لحن و ساختار برنامه‌های

خبری بی‌بی‌سی انگلیسی برای بزرگسالان و برنامه‌ی خبری برای نوجوانان در شبکه‌ی ویژه‌ی این گروه سنی اشاره کرد.

بنابراین، این استدلال که رسانه‌های غربی (از جمله بخش‌های مختلف بی‌بی‌سی) قبل از این مبادرت به مصاحبه با طالبان کرده، مصاحبه‌ی بخش افغانستان را به هیچ وجه توجیه نمی‌کند. چرا که واکنش‌ها و حساسیت اجتماعی در بریتانیا نسبت به مصاحبه با سخنگوی طالبان توسط بی‌بی‌سی انگلیسی، با واکنش‌ها و حساسیت‌های مردم افغانستان نسبت به یک مصاحبه مشابه توسط بی‌بی‌سی افغانستان متفاوت است.

مدیران بی‌بی‌سی افغانستان نه تنها به این تفاوت‌ها در واکنش‌ها و حساسیت‌ها کاملاً واقفند، بلکه با استفاده‌ی ابزاری از همین مقوله، به اعمال سلیقه‌های فراقانونی در محتوای رسانه‌های بی‌بی‌سی افغانستان، با اهدافی ورای اطلاع‌رسانی حرفه‌ای، اقدام می‌کنند.

یکی از نمونه‌های اعمال سلیقه غیرحرفه‌ای به بهانه‌ی تفاوت در واکنش‌ها و حساسیت‌ها، سانسور واضح مصاحبه اختصاصی بی‌بی‌سی افغانستان با رولا غنی، بانوی اول افغانستان در دسامبر ۲۰۱۴ است. ما از منابع موثقی دریافته‌ایم که خانم غنی در پاسخ به پرسش ثنا ساپی، خبرنگار بی‌بی‌سی افغانستان به صراحت گفته بود که ایشان مسیحی هستند و اینکه این موضوع هیچ‌گاه منبع اختلافی میان ایشان و همسرشان اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان نبوده است. اما مدیران بخش افغانستان، بدون اطلاع خانم غنی، از شوهر ایشان در ارگ ریاست جمهوری خواسته بودند که با توجه به احتمال حساسیت‌های اجتماعی نسبت به سخنان بانوی اول درباره مسیحی بودنش، درباره حذف این قسمت از مصاحبه به آن‌ها توصیه کند. ما می‌دانیم که سانسور این قسمت از سخنان بانوی اول به دستور مستقیم ارگ صورت گرفت.

در نسخه‌ی انگلیسی مصاحبه، که آن را هم ثنا ساپی انجام داده، سخنان خانم غنی در مورد مسیحی بودن‌شان بدون سانسور پخش شد. اما در گفتگوی فارسی، این سخنان بانوی اول سانسور شده است. هر دو نسخه مصاحبه در یوتیوب موجود است.

برای ما قابل درک نیست که چطور مدیران بی‌بی‌سی افغانستان که به خاطر همین حساسیت‌های اجتماعی به عملی غیرحرفه‌ای و غیرقانونی مثل سانسور سخنان بانوی اول افغانستان دست زدند، در مقابل اعتراض‌ها و حساسیت‌ها به تریبیون دادن به سخنگوی طالبان شانه بالا اندازند و ادعا کنند که «بی‌طرف» اند.

کمپین ما از طریق منابع خود دریافته که موضوع سانسور سخنان خانم غنی در خود بی‌بی‌سی منجر به اعتراضاتی شدید و طرح این موضوع در بالاترین سطح مدیریت سرویس جهانی گردید اما به دلیل اعمال فشار از سوی مدیریت بخش افغانستان پیگیری نشد.

قضیه مصاحبه‌ی بانوی اول افغانستان و مثال‌های دیگری از اعمال سلیقه به شکل سانسور به بهانه تفاوت در ذائقه‌ی مخاطب و نیز کم‌رنگ یا پررنگ جلوه دادن عمده‌ی رویدادها، انتخاب

تیترها و متن‌های خبری خاص در شکایتی جداگانه همراه با اسناد و مدارک در فرصتی مناسب به بخش شکایات سرویس جهانی ارائه خواهد شد.

۲/۵ اعمال سلیقه و نفوذ پوشش خبری در فضای حرفه‌ای مغشوش

ما این را می‌دانیم که برخی از مدیران بی‌بی‌سی افغانستان در تبنانی با یکدیگر نهایت تلاش خود را در طول سال‌های طولانی کرده‌اند که اقدامات غیرقانونی خود را با معلومات نادرست، ناقص و حتی کذب محض توجیه کنند. فرهنگ مدیریت سنتی حاکم بر سازمان بی‌بی‌سی قائم بر سلسله مراتب اداری است، به این معنا که یک مدیر ارشد فقط براساس نظرات مدیران زیر دست خود تصمیم‌گیری می‌کند و صدا و اعتراض کارمندان پایین‌رتبه به ندرت به بیرون درز می‌کند. هرچند در بی‌بی‌سی ساختارهای حمایتی مستحکمی برای دفاع از حقوق کارمندان موجود است، اما در نهایت باز هم این مدیران ارشد هستند که در مشورت با حتی همان مدیرانی که از آن‌ها شکایت شده، در مورد شکایات و اعتراضات کارمندان تصمیم می‌گیرند.

به عنوان مثال، روزنامه بریتانیایی دیلی‌میل در سال ۲۰۱۳ جزئیات پرونده‌ی تحقیق در رابطه با آنچه که «اتهامات تکان دهنده آزار جنسی و ارباب در بی‌بی‌سی» خوانده، را افشاء کرد و نوشت که شواهدی در زمینه فرهنگ ارباب کارمندان و ترفیع شغلی در مقابل تمکین جنسی و آزار جنسی کارمندان زن وجود دارد.

گزارش دیلی‌میل با استناد به این پرونده به گستره‌ی این افتضاح در بی‌بی‌سی افغانستان نیز اشاره کرد و نوشت، زمانی که داوود جنبش، یکی از کارمندان بخش افغانستان به دلیل آزار و ارباب یکی از زنان کارمند در بخش قرار شد توبیخ شود، این توبیخ صرفاً در حد یک اخطار کتبی، آن هم از سوی یکی از مدیران بی‌بی‌سی افغانستان که (با استناد به شهادت یکی از کارمندان بخش) دوست آقای جنبش بود، پایان یافت.

روزنامه دیلی‌میل می‌نویسد یکی از کارمندان زن در این تحقیق بخش افغانستان را «نمونه‌ای کوچک از حاکمیت طالبانی» خوانده است. راب ویلسون، یکی از اعضای پارلمان بریتانیا در همان زمان این رفتارها در بخش بی‌بی‌سی افغانستان را به مثابه «زن‌ستیزی» دانست. یکی از کارمندان زن در بخش افغانستان گفته است که ارباب و اذیت از سوی مدیران بخش او را تا مرز خودکشی پیش برد.

همچنین، ما از موجودیت اسناد و شواهد موثقی آگاه هستیم که اخیراً حداقل در یک مورد، یکی از مدیران بخش افغانستان به یک متقاضی کار وعده‌ی استخدام در مقابل تمکین جنسی داده است. ما در حال مستندسازی این مورد و موارد مشابه هستیم که در یک شکایت جداگانه مطرح خواهد شد.

لازم به ذکر است که دو سال بعد از آن تحقیق، اتحادیه خبرنگاران بریتانیا نوشت که بی‌بی‌سی

توصیه‌های آن پرونده برای حل این معضلات را عملی نکرده است. این کمپین دریافته است که بی‌بی‌سی افغانستان در میان برخی از کارمندان این نهاد به «جزیره‌ای خودمختار» مسمی شده است. ما می‌دانیم که فرهنگ ارباب و آزار و اعمال فشارهای روانی بر کارمندان، این بخش را به سادگی به مصادره‌ی کامل چند تن از مدیران آن درآورده است.

یکی از خبرنگاران سابق بی‌بی‌سی (که حاضر است در برابر نهادی مستقل جهت تحقیق شهادت بدهد) به ما گفته است فساد اداری و خویشخوری، تبعیض قومی و زبانی و ارباب و آزار کارمندان زیردست و اقدامات فراقانونی و ناقض مقررات داخلی بی‌بی‌سی به حدی وضعیت این بخش را شکننده کرده که آن دسته از مدیران سطوح بالا که از مشکل آگاهند - به جای حل جدی آن، که پیامدش می‌تواند رسوایی دیگری برای نهاد بی‌بی‌سی به بار آورد - ترجیح می‌دهند بگذارند که این بخش با همان شیوه‌ی باندهای جنایتکار خیابانی اداره شود. معضل دیگر غفلت و ناآگاهی محض دسته‌ای دیگر از مدیران بی‌بی‌سی از این وضعیت است که به جای گوش فرا دادن به اعتراض و نظر کارمندان پایین‌رتبه بی‌بی‌سی، به سخن فقط همان چند مدیری که مسبب اصلی این وضعیت افتتاح‌آمیز در بی‌بی‌سی هستند، اکتفا می‌کنند. اقدام ناکافی و افتتاح‌آمیز بی‌بی‌سی در قضیه توبیخ داوود جنبش به وضوح عمق معضل را نشان می‌دهد.

۳. احتمال عملکرد جانبدارانه:

اعضای کمپین بر این باورند که معضلات پیچیده‌ی سازمانی در بی‌بی‌سی، از جمله فساد اداری، باندهایی، ارباب و آزار، سوءاستفاده از صلاحیت‌های اداری، عدم شفافیت در روند استخدام و امثال آن، مسائل درونی این است که مسئولیت رفع آن را مدیران آن، و نه مخاطبان، بر عهده دارند. اما شواهد کافی وجود دارد که این معضلات و عدم توجه بی‌بی‌سی به عنوان یک سازمان به اقدام مناسب قانونی بر ضد آن، منجر به آن شده که بی‌بی‌سی افغانستان نسبت به مخاطبان خود شفاف و پاسخگو نباشد.

بدیهی‌ست که نمی‌توان از رسانه‌ای که به چنین معضلاتی دست‌به‌گریبان است، انتظار داشت که در تولیدات رسانه‌ای خود حرفه‌ای باشد. بی‌بی‌سی افغانستان، که بی‌تردید یکی از منابع معتبر و اصلی مخاطبان افغان است، در نتیجه همین هرج و مرج اداری، مورد سوءاستفاده‌ی عده‌ای با اجندای سیاسی و اهداف شخصی، گروهی و قومی قرار می‌گیرد. تا جایی برخی از مخاطبان افغان به این باور رسیده‌اند که ممکن است بی‌بی‌سی افغانستان ابزاری در دست حکومت بریتانیا برای پیشبرد اهداف سیاسی باشد و اینکه برنامه‌های این بخش مطابق به سیاست‌های حکومت بریتانیا در حمایت از طالبان است.

اعضای کمپین بر این باورند که سازمان بی‌بی‌سی یک نهاد حرفه‌ای، مستقل و معتبر است و عملکرد غیرحرفه‌ای و جانبدارانه بی‌بی‌سی افغانستان ناشی از بی‌توجهی و عدم شناخت مدیران ارشد این سازمان از این «جزیره‌ی خودمختار» است که با شیوه‌ی باندهای جنایتکار خیابانی اداره می‌شود.

شواهد موثقی وجود دارد که برخی مدیران بخش افغانستان با سوءاستفاده از هرج و مرج حاکم بر این بخش در پوشش خبری مسائل افغانستان اعمال نفوذ و سلیقه می‌کنند. این اعمال نفوذ به ویژه در زمان انتخابات ریاست جمهوری منجر به اعتراض بسیاری از مخاطبان شده بود که به دلایلی قابل درکی هرگز به گوش مسئولان ارشد بی‌بی‌سی نرسید. ما مثلاً آگاهییم که در زمان انتخابات ریاست جمهوری گروهی از معترضان به تقلب در انتخابات افغانستان در لندن تجمع و اعتراض کردند، اما با آن‌که بی‌بی‌سی اعتراضات مشابه و حتی کم‌اهمیت‌تر را در لندن پوشش داده، در این مورد خاص به بهانه‌ی این‌که معترضان طرفداران عبدالله عبدالله، رقیب انتخاباتی اشرف غنی هستند، از پوشش خبری آن طفره رفت. معلوم نیست چرا بی‌بی‌سی افغانستان گمان می‌کرده که وظیفه آن پوشش دادن اخبار مرتبط با اشرف غنی باشد.

در سال ۲۰۱۱ ویکی‌لیکس سندی محرمانه از وزارت دفاع آمریکا را افشاء کرد که در آن گفته شده بود که در موبایل یکی از زندانیان گوانتانامو به نام «ترکی مشاوی زید علی امری» شماره تلفونی ثبت است که متعلق به بخش افغانستان بی‌بی‌سی است. در این سند محرمانه گفته شده که این شماره تلفون را در موبایل و دفترچه‌های تلفونی افرادی دیگری از گروه طالبان و القاعده که در افغانستان دستگیر شده‌اند، نیز یافته‌اند. در این سند به وضوح تذکر داده شده که این امر می‌تواند نشان‌دهنده وجود تماس میان شبکه‌های پروپاگند القاعده و طالبان با بی‌بی‌سی افغانستان باشد. چند روزنامه‌ی مهم از جمله دیلی تلگراف در بریتانیا در این رابطه گزارش‌هایی نوشتند.

ما می‌دانیم که بی‌بی‌سی به نشر یک یادداشت در وبلاگ سایت انگلیسی به قلم پیتر هاروکس رئیس قبلی سرویس جهانی بی‌بی‌سی در واکنش به گزارش دیلی تلگراف اکتفا کرد و در آن بدون استدلالی قانع‌کننده این سند را رد کرد. این کار بی‌بی‌سی هرچند ناقض ادعاهای این سازمان در بی‌طرفی است، اما از نظر سازمانی و اداری قابل درک است. اما آنچه برای مخاطبین افغان ترسناک است این است که بدانند سازمانی با طول و عرض و اعتبار بی‌بی‌سی از چنین سند مهم و خطرناکی به سادگی گذشته و حتی نیازی ندیده که در مورد آن تحقیقی هرچند سطحی و کوچک در بخش افغانستان صورت گیرد.

حیرت‌انگیز این است که سال گذشته یک وبسایت طنز انگلیسی با هدف خندانیدن مخاطبان خود گزارشی منتشر کرد و ادعا کرد که بر اساس اسناد افشاء شده ویکی‌لیکس اسنودن گفته که اسامه بن لادن زنده است، بی‌بی‌سی پشتو در ظرف مدت کوتاهی این فکاهی را ترجمه کرد و در وبسایت این بخش منتشر ساخت.

هر چند ممکن است تیم پشتو در نتیجه‌ی ناآگاهی و کم‌سوادی یک خبر طنز را جدی گرفته باشد، اما این نیز ممکن است که ترجمه خبر زنده بودن اسامه بن لادن با علم به غیرواقعی بودن آن و با اهداف خاصی صورت گرفته باشد. بخصوص به این دلیل که منابعی به ما گفته‌اند که به تیم پشتو تذکر داده شده بود که این خبر صرفاً یک فکاهی‌ست اما تیم پشتو در برابر حذف آن مقاومت کرد.

در عین حال، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در بی‌بی‌سی افغانستان تعلق قومی و باورهای ایدیولوژیک یکی از مولفه‌های اصلی اما پنهان، در استخدام کارمندان و پوشش خبری‌ست. ما دریافته‌ایم که برخی از مدیران بی‌بی‌سی افغانستان برای پوشش دادن یا ندادن یک رویداد خاص بر روی روزنامه‌نگاران بخش فشار وارد می‌کنند و اغلب نظر و اعتراض آنها را با ارباب و تهدید به محروم ساختن آنها از پیشرفت کاری سرکوب می‌کنند.

به این دلایل است که ما نیز همانند دیگر مخاطبان این نگرانی را داریم که بخش افغانستان ممکن است عمداً اقدام به دادن تریبیون به سخنگوی گروه تروریستی طالبان کرده باشند. ما نگرانییم که بی‌بی‌سی افغانستان، با انتشار پیام‌های تهدیدآمیز آنها را از طریق یکی از پرشنونده‌ترین و با اعتبارترین رسانه‌ها در افغانستان، ندانسته نه، بلکه آگاهانه به این گروه در کسب اهدافشان کمک کرده‌اند.

نتیجه انتشار تهدید حمله بر یک رسانه مشخص در «آینده» به وضوح می‌تواند بر جو سیاسی افغانستان تاثیر بگذارد: حس ناامنی و ترس هر چه بیشتر در میان شهروندان افغان تولید کند، حکومت افغانستان را ناتوان‌تر از آنچه واقعاً هست و گروه تروریستی طالبان را قوی‌تر از همیشه جلوه دهد.

ما امیدواریم پس از تحقیق کامل از سوی یک نهاد بی‌طرف معلوم شود که عملکرد اخیر به شدت غیرحرفه‌ای بی‌بی‌سی افغانستان فقط ناشی از سوءمدیریت و فساد اداری گسترده در این بخش است. اما نمی‌توانیم نگرانی‌های عمیق و مشروع خود و بخش بزرگی از مخاطبان افغان در ارتباط با احتمال عملکرد جانبدارانه نادیده بگیریم.

۴. درخواست مشخص ما:

اول) ما از سرویس جهانی بی‌بی‌سی می‌خواهیم یک گروه تحقیقی متشکل از خبرنگاران حرفه‌ای پیش‌کسوت از بخش‌های دیگر سرویس جهانی، غیر از مجموعه بی‌بی‌سی فارسی و بخش افغانستان، تشکیل دهد و این گروه، زیر نظر اتحادیه خبرنگاران بریتانیا پوشش خبری حمله اخیر طالبان بر کارمندان طلوع را با دقت مطالعه کند. در این روند نیاز است تمامی محتوای رسانه‌ای تولید شده در بی‌بی‌سی افغانستان توسط افراد خبره در بیرون از بی‌بی‌سی به زبان دری و پشتو به انگلیسی ترجمه و سپس با دقت مطالعه و تحلیل شود.

دوم) تیمی مجرب از بیرون از بی بی سی و ترجیحا از طریق اتحادیه خبرنگاران بریتانیا توظیف شود که زیر نظر این اتحادیه، با کارمندان دخیل در پوشش خبری حمله، به صورت جداگانه، محرمانه و مفصل مصاحبه شود تا از پیشینه‌ی چگونگی تصمیم‌گیری ادیتورالی در ارتباط با این بخش مصاحبه سخنگوی طالبان معلومات لازم به دست آید. برای جلب همکاری و مقابله با ارباب احتمالی، باید به این کارمندان اطمینان و تضمین لازم داده شود که همکاری آن‌ها در این روند عواقبی برای آن‌ها نخواهد داشت.

سوم) بخش قوای بشری بی بی سی، در همکاری نزدیک با اتحادیه خبرنگاران بریتانیا، باید هر چه زودتر در ارتباط با استخدام‌های اخیر در بی بی سی تحقیق کند. ما از منابع داخلی موثق دریافته‌ایم که این احتمال به شدت وجود دارد که استخدام‌های اخیر براساس خویشخوری، ملاحظات قومی و فساد صورت گرفته باشد.

چهارم) ما از سازمان بی بی سی می‌خواهیم که یافته‌های خود را تا آنجا که مقررات داخلی بی بی سی و قوانین بریتانیا اجازه می‌دهد با شفافیت و مسئولیت‌پذیری در دسترس عموم قرار دهد و به مخاطبان افغان از اقدامات لازم برای مقابله با معضلات احتمالی و تدابیری که برای بهبود عملکرد حرفه‌ای بخش افغانستان انجام خواهد داد، اطلاع‌رسانی کند.

۵. اقدامات آینده:

کمپین «بی بی سی فارسی و پشتو را به پاسخگویی واداریم» به روند مستندسازی شکایات مخاطبان بی بی سی افغانستان و ارسال آن‌ها به سرویس جهانی بی بی سی ادامه خواهد داد. اقدامات و واکنش‌های سازمان بی بی سی در زمینه رسیدگی به این شکایات زیر نظر اعضای کمپین و مخاطبان بی بی سی قرار خواهد داشت.

اعضای کمپین خواستار تغییرات بنیادین در مدیریت بخش افغانستان در بی بی سی است، به شکلی که از نظر حرفه‌ای، کیفیت تولیدات رسانه‌ای، احترام به مخاطب، پرهیز کامل از عملکرد جانبدارانه، توازن در پوشش خبری و پایبندی به ارزش‌های اساسی بی بی سی، یعنی بی طرفی، صحت خبر و انصاف، به سطح دیگر بخش‌های سرویس جهانی بی بی سی برسد.

ما تا رسیدن به این هدف، که می‌دانیم هدف سازمان بی بی سی نیز خواهد بود، به نظارت خود بر بی بی سی افغانستان ادامه خواهیم داد و در کنار شکایت‌هایی که به صورت موردی به سرویس جهانی بی بی سی می‌فرستیم، در حال تدوین عریضه‌ای رسمی به پارلمان بریتانیا برای توظیف کمیسیونی مستقل جهت دخیل شدن در این روند هستیم و از مالیات‌دهندگان بریتانیایی خواهیم خواست تا این عریضه را امضاء کنند. ما امیدواریم که در ظرف مدت کوتاهی بتوانیم یک صد هزار امضاء لازم برای این عریضه را جمع‌آوری کنیم تا زمینه قانونی مطرح شدن این بحث در پارلمان بریتانیا ایجاد شود.

ارسال این شکایت علنی به:

بخش شکایات سرویس جهانی بی‌بی‌سی و مدیران ارشد این سازمان
رسانه‌های افغانستان
رسانه‌های بریتانیا
اتحادیه خبرنگاران بریتانیا
نهادها و اتحادیه‌های حامی روزنامه‌نگاران در افغانستان
نشر بر روی صفحه «کمپین» به منظور اطلاع اعضای کمپین

برای معلومات بیشتر با ای‌میل fairbbcafghanistan@gmail.com تماس بگیرید.

نسخه‌ی فارسی این شکایت نسخه اصلی محسوب می‌شود.